

صفحة اول
جلد پنجم
شماره پانزدهم
قیمت اشتراك
دسمبر ۱۲

چشمه الاخبار

۱۳۲۹

PAGE 1
VOL 5
No 15
سالیک والرونیہ
ماہ مسائل

اینجانب بر حسب تاریخ بهائی صرف نوزده روز چاپ و توزیع میگرد و در نهایت آزادی در مسائل عبادتی بشر و وحدت ادیان و ترویج صلح عمومی و تربیت اطفال و پیشرفت امر خیر و بهاء الله و ملازمین و توضیح عقاید این دین و خواص و نبوت و تعالیم و غیره که موافق سبب اول است قبول و نشر خواهد گردید

قل جاء عیك المولود

ز الواح مبارک حضرت بهاء الله جلوه الارواح لراب رخصه المظروطة

الاودس الامنع الاعظم

قد جاء عید المولود واستقر علی العرش جماله المقدر العزیز الودود طریقین
فی هذا الیوم لری الوجه وتوجه الیه طرف الله الموهب النعم قولنا اخذنا
العید فی السین الاعظم بعد الذی قام علینا الملوك لا یفسد سلطه كل عالم
ولا یضطر بنا جنود الملک هذا ما شهد به الرحمن فی هذا المقام الممجد کل
هل یضطر بکثرة الاطیان من حذاء الامکان لا یجالیه المشرق علیما
کابن وما یكون هذه طوفه الله قد احاطت کل الانشاء وهذه قد تم الهیمة
علی کل شامه و شهور تمسکوا بحبل الأمتار ثم اذکروا ربکم الخیر فی هذا
البحر الذی به اضر کل فیسکون كذلك نطق لسان القدم فی هذا
الیوم الذی فیہ لنا الریح الختم آیام ان تضلکم اوهام الذکر کفرنا
بالله و تقسم الظنون عن هذا الصراط الممدود بالاهل البهائم طرود بقوادم
لا یقطع فحوا ربکم للرحمن ثم انصرفوا بآرک فی لوح محفوظ آیام ان قبال
مع اسدین العباد ان اظهروا برهان الله بیانه بهما توجه کل الوجوه ان الذین
فعلوا الیوم اولک فی کرامه ربهم لا یفتخرون طریقین توجه الی
مطلع آیات ربه بخصیص و اناب و انکانت ثم بین العباد ثم ذکرهم بآرک فی
کتاب ربهم العزیز المختار قل انقوا الله ولا تعبدوا اوله الذین تعبدوا کل باهر
مناب ان اقبلوا بقلوب نورا المشطر عرش ربکم مالک الاسماء انه یؤیدکم
بالحق لا اله الا هو العزیز المتان من تعبدوا الی العزیز والحق الاعظم ما
وجوهکم توجهوا ولا تعبدوا کل شکر سکر كذلك دلح دلیل انجاء علی قبالنا
سورتنا المنفی قاله بنحیه منها استخیر بالملاء الاعلی ثم سجان مدائن
الاسماء ثم الذین یطوفون حول العرش فی العشی والاشرف كذلك عظمت
اسما رب الیمان من سما شیه ربکم الرحمن ان اقبلوا باقم ولا تعبدوا الذین
جادوا بایان الله ان نزلت و کفروا برهم الرحمن لاذی بالجهه والبرهان *

مولود مقدر بهاء الله

بقلم خیاب فاضل آقا میرزا ابو القاسم گلستانه شبه ازلی سقیم در قاهره
هو الله
مولود مقدر حضرت بهاء الله جل ذکره الاعلی اول یوم نوزدهم شبه دهم

شهر محرم ۱۳۲۳هـ موافق یازدهم ماه نوامبر ۱۸۷۷م که حال یکصد سال قری
دوید و هفت سال شمسوات انشاء الله بر کل دوستان و جمیع اهل جهان مبارک
و بیرون باد و ایزد عزیم و دوسریم عالم امکان بطران بدیع مظهر و خلعت
جدید خلق گردید و عده هکتوب آسمانی معنی گشت و آیات و علامات ظاهره و باطنیه
الهی و صلاهی حقایق بگوش ملو ادیان رسید و تعالیم و عقاید منتشر و شکر گردید بهاء
جانفرا کمال طراوت و صفا جلوه نمود و شمس حقیقت باعظم اشراق بدر خیر اجابت
کائنات حیات ان یافت و عقول و کائنات شمع شد کشف حقائق و جودان گشت و حق
ما فوق الطبیعه عجز شهود آمد اسرار بگوش منتهی شود شد و آثار عظیمه آشکار گردید
علم برده و فزون جمله ظاهر گشت و اختراعات عظیمه و صنایع جدیده نمود گردید
خاف استبداد و ظلم گذشت و ایام حریت و عدل رسید و دره و رحمت و انوار الفت
شد و فزون تر و وحدت عالم انسانی و اتحاد عمومی *

جمیع ملو و ادیان را بعد از نبوت الهی و حقیقت عظام حقایق و وحدت عالم انسانی
و اتحاد و الفت عمومی و تعزیه باخلاق و تحسین اعمال و تکلیف گشتار و کرامت و تربیت
دینی و جنسی و وطنی و سیاسی و بنف و کینه و عیب جوی و رفع جدال و جنگ و ترویج صلح
و سلام و خدمت و صداقت و حکومت و دولت و اهتمام بجهت و مودت و معاشرت
با هم دیگر و خیر خواهی یکدیگر و مودت و مودت و ابواب رحمت و خیر و سعادت گشود
جمعی از مسلمانان و سی بیهود و زرتشتی هند و یهودی و مسیحی و ادیان
انحراف یافته و منتهی به حال آسیا و اروپا و آمریکا و اروپا و غیره تصدیق نمودند و مؤمنان
شدند و پیروی تعالیم گردیدند و گروهی از ایان مجوز خیر شهادت دادند و در
سبب المصلح جان و مال انفاق و ایثار نمودند و تعالیم الهی را گسترش دادند و ترویج
انتشار یافت *

انجمله الواح ملوک و سلاطین و ملو و رؤسای ایان و اعضای مجالس از این
و اول و درود بعبک - تقیاً بجهت شیخ سابق - عز محمد و ولایت جمیع ارباب اولاد
و اتفاق و نگاهداری نفوس و حفظ دین و امان و صلح و سلام و برادر و دوستی
دلیور رعایا و خیر خواهی عموم بر ایان نصیحت نمودند و بر آنچه سبب خیر و سعادت
دولت و ملت و رحمت و ایثار عموم است کالت کردند و مضرات اخلال و حرج
بیان نمودند و تأسیس حکمه کبری بیرون دول و بین الملل را کاملاً شمرند *

حضرت عبد البهائم ارواح الشانینم الفداء حی ایام سحر عکا بصورت الواح
و بیانات اعلی با رمز غیبی را آگاه و بیدار نمودند و پس از آن از راه خیر
دله و فاضل سقرت با اروپا و آمریکا و عالس و عافل و کائنات با حضور علما و عملا
و فلاسفه و پرورشهای لغام و ادیان تعالیم مبارک را اظهار نمودند و بیضاغ نشانی

و داده و بر این عقیده و آریخته قرار داد اتفاق صلح و سلام و وحدت عالم انسانی
 و غیر سعادت عمومی و مفاسد اختلاف و اشتقاق و جنگ و جدال را ترویج
 و بر همت داشتند و فرمودند در بنیاد بیست و هفتم و هفتم و هفتم و هفتم و هفتم
 بین اهل جهان باشد نه با عصبانیت و نفرت و اختلاف و دوری و در میان و فرود
 از ابتدای تاریخ تا به این زمان همیشه بیست و هفت و اختلافات جنگ و جدال و
 و قتال بین ملل و ادیان بوده و سبب خرابی ملک و ابله و نفوس و خرابی اموال و خرابی
 این گشته و عالم انسانی آسایش یافته حال چندی هم هست که کوشش و تلاش و تلاش
 صلح و سلام و توحیح و حقیقت و آسایش عالم بشریت نماید و اثرات آن را در آن کند
 و ایام سابقه مؤثر و نمایه نماید جمعی از بزرگان و فضلای دین و انصاف
 کردند و اظهار عمل و ترویج نمودند و مقاله های مفصله در مجله های
 و بزرگ تهر و روح کردند و در عالم انتشار دادند و تمام محبت برین عملی است که در

تتمه مقاله از هند

که در شماره ۱۳ جلد ۵ نجم باختر چاپ شده
 و حکمت فانوی متفرگ گردید و باب آزادی مفتوح شد
 در این مقام سراسر تاریخ چند حکایت شخصی و انموذج
 که بی نهایت عزیز و دلنشین بود و شرحی داد که چه نوع در این ایام با کمال
 خود را تغییر داده از دست جاسوسان و مستحقین فرار کرده
 داخل این جسون خانه گردید و ساعتی با آقای خود در
 سائل روحانی صحبت می نمود و دو باره بدون اینکه کسی از وجود
 او آگاه شود خارج می گردید سراسر تاریخ می گفت که تحقق این سلسله بر سلسله
 قوه روحانی بود و او را عفو فرمود * با این شهرت این پیغمبر روز
 بر روی اطران و کفاف عالم بشر می نمود و از جمیع جهات ایران و سایر بلاد صد ها نفر
 سائرت نموده که در حضور این شخص و ظاهر شده از تقالیم سابقه او بود و
 گیرند پس از صعود به آقا الله عبد الباقی که در بیوم اعلان ایران بیرون شده بود
 بموجب عقد طایع به آقا الله جانشین بر پیغمبر خود گردید و رئیس بهایان عالم شدند
 قبل مدتی در وقت و در این امر بهائی شرق و غرب را فتح کرد و با این پسران بهایان
 تا اینجی این امر سراسر تاریخ شروع نمود شرح تقالیم که چه نوع روشن
 و ساده و عورت سعادت بشریت و چگونه کافرون و حمایت هر فرد از نوع انسانی
 است * دین شاهی و بیانی و اینها تا بین ما بر موافق سائل علی باشد
 و نیز در روحانیت و متعلق بهجت انسانی ساده و دلان بیخاطب دین فانی گردیدند
 از آن امر محرم بشوند فیوضات دین مانند با مران آسمانی عالم است
 انسان هوشمند قوای روحانی و ادراک تقالیم بهائی در میان امیهای
 بعضی جهالت کشف می بینید و یکی رؤسای دینی که لاف دانش بزنند و خود را
 برین و از انبوه حامیانند از دین عطیه بهائی محرم مقصود اصلی بهائی
 اتقاد است نه فقط اتحاد ادیان بل اتحاد ملل و نژادها عالم انسانی این اختلاف
 ستوده در نظر شخص بصیر مانند گلستانی است که گل های رنگارنگ از هر قسم
 و هر بوی در آن دیده میشود و نتیجه جامعه از نوع اختلافات حقیقه
 اتقاد است زیرا که جمال و کمال هر یک سبب ترین و آرایش دیگر نیست *
 امر بهائی را مقصود است که عالم انسانی بر این حقیقت واقف و بوی خوش

و معترف گردد و همچنین از آثار و تقالیم این امر معلوم میشود هر فردی فحاش و
 آسایش عمومی را باید بر خانات و آسایش شخصی خود ترجیح دهد امر بهائی از پیغمبر
 قبل نمی خواهد بل انسان را بر شرف و کرامت آنجا بهتر و خوشتر آگاه میکند
 که هر کدام از پیغمبران نبی در آن خود بر حسب مقتضیات وقت بوده اند *
 سراسر تاریخ بیان کرده که اگر چه مقصد کلی امر بهائی اتحاد است که با و
 در جهت ممکن نیست تا این عالم هست تقوی خواهد بود که در عقل و صداقت
 و ولایت مستقر خواهد بود همیشه تقوی خواهیم دید در عقاید مختلفه
 رو بصعودند بعضی بیفادات عالم فانی و برخی در نقطه سلفی ساکن و
 تکلیفاتی خاصه که بمقامات عالم فانی شده اند اینست که شب و روز بکوشند و جلد
 نمایند تا برادند و در خاله خود را نماید بخشد و آنها را هم مایل بصعود نمایند
 مسئله دیگر اینکه حق و حقیقتشان در وجود هر فردی قوه عظیمه است و در بعضی
 است که اگر اصف آن را چنانچه باید و شاید تربیت نماید و ترقی دهد از اولاد
 عالم بالا بگذرد این شعله الهی در قلوب شخصی موجود و تکلیفهاها است که
 این شعله را به لغت بیضای الهی ترقی دهیم * سراسر تاریخ بیان کرده که
 در این جهانی کثیث و ملائمت و مروجین این امر مثل مروجین سایر اطران
 اجرو جزای خلقی نیستند فزونی که وجود اجناس بنیاد که قوه فطریه این تقالیم را
 دارند قیام نموده اند و نایبیت از جهت پایشان میرسد *

سراسر تاریخ پیش گفته نمود که این امر در جمیع اقطار عالم مستقر خواهد بود
 ملک و ادیان عالم را متحد و متفق خواهد نموده اگر چه از جهت سراسر
 تاریخ مذمت حکومت مستبد و ظلم و ستم آن وقت این را نمود و کن از
 جهت دیگر اظهار کرده که عالم انسانی از ابتدا کوهی عظیمی با این دار و
 بزرگان این عقاید و صفات آنرا ترک کرده اند که در قرون و اعصار گذشته
 گل های پر رنگ شکفته خواهد شد و از طبیعت سراسر انبساط عالم را منظر خواهد کرد
 و از خطای خود سراسر تاریخ شرحی از حیثت رئیس بهایان عبد الباقی
 در شهر ادرین بیخ برای بزرگوار و مهیا کرده بودند بیان نمود و آن معنی
 نوعی رحمت و مهربانی دکتر هوایت که یکی از اساتید و دانشمندان آن شهر
 و مصنف کتاب حیات سراسر تاریخ کرده دکتر هوایت رئیس کشیشان کلیسای
 اتران این بیخ است و کتاب در مطالب تفصیله و بیخ است *

مقاله مختصری

بقلم مدیر مجریه سیند گانت هندوستان
 یک شخص بسیار بزرگوار در کراچی شده اسم او سراسر تاریخ و مبلغ امر بهائی
 است این شخص از جمیع بزرگان و اعضای این کنگره و کنگره است بیشتر قابل ملاحظه است
 این زن و جامع مطالب ادیان و فلسفه عالم را تحصیل کرده است و تجزیه و تفسیر کرده
 است و آن اینست که هیچ یک از آنها در طریق خطا نیستند بلکه هر یک حقیقت
 برده اند این بشاخص جدیدیست که از برای ما آورده است و یکی از بزرگان
 از خود او نیست بلکه از آقای و عبد الباقی رئیس امر بهائی است باید
 ماها اذعان کنیم که هنوز از این بشاخص جدید آگاه نشده ایم و
 لیکن در این چند درنه که سراسر تاریخ در این شهرت
 امید داریم کل وقت را غنیمت شمرده چنانچه باید و شاید
 بر تقالیم و اصول این امر اطلاع یابیم *

تعالی حضرت بها الله

تعالی حضرت بها الله جل و علاه شمس است و کوی است
 لامع کتاب است جامع و محقق است قاطع تا زنی است عین و نظای است عین و عین روح
 بدیع هیچ اهل عالم سبزه را بدید و با او خبر و سعادت بروی ام مفتوح نماید سب
 صلاح جهان و جهانیان است و باعث است و آیش اهل مکان و سعادت عقلی و دینی
 دهد و من علی الارض من یؤمن بربهم یتوکل علی الله العزیز العزیز
 و مقام قانع و متبع را عقود معلوم نماید اختلاف بین مذاهب و ادیان با مانده از انجا
 مبتدا نماید و بعضی را بنده می و بعضی را بنده می و بعضی را بنده می و بعضی را بنده می

قریب چهل و پنج سال پیش الراجح الملک و سلاطین عز و زول یافت و در علم نشر و شکر
 نضاع شفقانه در نکاه داری و حفظ عیال و بیبالت شتی فرزند و صلح و سلام
 و اتحاد و اتفاق و وحدت عالم انسانی دعوت نمودند و حضرت جنگ و جلد و در وقت
 و ضایع تدریس معلمات حرمیه را در هیچ و بیار نمودند از جمله قوله عز و جاتر * :-
 یتوکل علی الملک انما یرحمکم فی کل سنة فزاد و نفع صافکم و قتلوا علی الی غیر ان هذا الا
 حاد عظیم اتقوا انزل المظلم و عیر اتم و لا تقولوا الی غیره فو طاعتهم و لا تقربوهم تعیر
 قصورکم احضار اللهم ما تحار و زده لانفسکم کذلک بینکم ما ینفکم انکم من المبعوثین
 انکم خراکم ایاکم ان تکلموا علیهم بالاحکم به الله و ایاکم ان تسلموا با یدک الشارقین
 بهم تکفون و یاکفون و یغلبون علیهم تستکفون ان هذا الامر محیب لما ینذره
 الصلح الاکبر و ما کم تمسکوا بهذا الصلح الاصل علی بر صلح امورکم و امور الدین فی
 الملک علی قدر یلتمس الامیرین اصطلحوا ذات بینکم اذا التفتاحون الی اکثر العاکر
 و مهماتکم الاعلی قدر یحفظون به ممالکم و یطراکم ایاکم ان تدرعوا ما انصم به مراد
 یلم امین اتعدوا یا معشر الملک به تسکرا یح الاخلاق و تسبیح الرعیة
 و نصحکم انکم من العارفين * و صریح فرمودند :-

انا لا یریدان لتصرف فی ممالکم بل جئنا لتصرف القلوب انما المظهر
 الی جاء یشهد بذلك کلون الاسماء لوانتم تفقهون * و در این دیگر خطاب
 یا عدو ارض قوله تعالی :- لعمری و عمرکم این ظلم خیال ریاسته است
 و ندارد و مقصود رفع آنچه سبب اختلاف ارض عالم و تفرق ام است بوده و سبب
 از این قبیل آیات اهل و آیات عز علیها است که اهل الحیا بیایات و ملازم بوده
 حضرت عبدالجبار ادریح المت قین لرافقه الفداء در وقت که سال سفر و
 بلاد اروپا و امریکا فرموده اند که این جنینش هر روزی عدول آورد و او را
 بدستبه لاند شکر کرد و با نهار شرط بشرو است که گفتا شکریم با فاقه و
 طما حرکت به سعادت هر چه و تدارک مواد جسمیه که از هیچ و شکر و شکر
 جمع و حاضر شده بود آلت ظلم و عتاف گشت و انش جهان سوز بر افروخت و دنیا
 آله که عالم انسانی است بسوخت که ماه است آنش خرد و انان و فقاوتند
 شکر و شکر جز از غیر نبوی و الاز نفوس و اموال شکر که چنین ظلمی فاشی و حتی
 استغای و نوحی در عالم وقوع یافتند و در کتب قولیم ام نظیرش مذکور نیست که در
 این قرن بیستم از آنکه تمدن پرورند و ظهور نمود *

نوع بشر را حرکت و اهتزاز در آورده و بنابر تسمیاء از این و عشر و عشر و عشر
 میدهد که اهل عالم بداند و مطمئن باشد که عز و قریب برین عالمی است از انزل و عشر
 نورانی علم و معرفت سلطع و کلام گردد و از حضرت و آیات عبادت و خلیل امر الله و غیر
 میثاق الله اجتناب و آسان بشود و جازان یابد *

انطریق دیگر هم مساگر بر و غیر و مرش توبه و تفنک بخوریزی و شکر و کرم
 بیان آلهی که عالم انسانی است مشغول و در زیاد و آه و فغان و در این کشته و یاد
 داغ دیده و زنیان بی شوهر و طفلان بی پدر و اسیران در دیرانه کشور و بیابان سما
 رسیده بلا و صومعه و قصور عالیله خراب و ویران و از زمین کشت است *

قیامت عظمی است و صیبت کبری روز امتحان و امتحان است و افضال و غیره از عالم است
 و چار خطر است و بیابان و بیابان که ای مانند بیابان نازل بر اهل جهات مع ذلك
 حرکت بگویان نموشی پذیرفت و بعضی میکنند در سینه اهل فتنه و وسیله انفس
 نگشت بخوابی اروپا قیامت کردند و رحم بر خود و اهل عالم نمودند فالک و غیره
 اهل آسار بیشتر از پیشتر خوانند و حکومت عثمانی را هم لغو و غرض و تحریک
 بیک کردند انرا و ایله ما تو مبر جنگ و قتل است با یکدیگر و در بین حرکت
 و دولت مخالفه انگلیس و روس و فرانسه در کثرت خداوند عالم است
 خواهد جایید و خانه جنگ کی و حکومت خواهد بود *

الاهام مقطوع سیکلا

در این تتریب بسته ها و نگر افانم ها جا و و مشغول و مکاتبات
 و مراسلات با طرف تبادل و مواصل بود حال قریب یک ماه است سیکلا
 و پوسته بین مصر و سوئیت متروک شده و اخبار از ساحت اربع
 اقدس مقطع گردیده و با این سبب انده و قلبه با این محرق است
 از ناسام جان پرور محروم و از روح روح بخش مجوس محروم و دل
 خون محروم و محرم انبرده ام و پزمرده ناچارم و در پانده کالایم
 و پریشان و از طرف و هجران حضرت جانان مانند ابر گریان چنانچه
 میفرمایند :-

« واهام مقطوع شد هیچ خبری نمیرسد حالاکه و سائل
 مکاتبات جمافی مقطع گشته باید مکاتبات روحانی برداخت
 قلبی بیس است فاصد این است دعای حق احیای الهی و بکنید
 حروفه مبارکه در مقام اعلی خلی دعای بکنید و طلب نماید غایبند
 و تضرع و زاری بکنید تا توفیقات حمدانیه شامل حال یالین جن
 گردد در شیب مناجات کردم که خدایا این مکاتیب سبب
 روح و سهران احیای الهی بود در همه جا خبر از اینجا میرسد از
 اطراف اخبار میآید و یک فرج و سروری از برای آنها حاصل
 میشد حال که این واسطه نیست خدا یا شام آنها را
 بنجات قدس معطر کن و قلبیشان را بتایدت تکوت
 ایلهم استبرفوا و ارواحشان را بنسیم غایت برور
 بخش توفیق توفیق و قاصر و بیای * انهم قوله الامیر

یوم الرک و حنک دنیا

حال ظریف غنله و صلواته بزم الرک العظیم و عهد خداوند سخن حرم و اتفاق است
 و صلاح عباد و اتفاق و محبت و اتفاق و صلح و سلام و مهربانی و یکدیگر را در امر عام و در صلح
 انسانی و اخوت و محبت است و مانند روح در هر وقت و هر زمان و ادیان با نفع و سعادت

میدانیم احیای ما را بدو هم مثل ایمان از اخبار است احسان
 محروم و مجبورند با این امتحان عظیم بهره و نصیب از چاکران

ولی الله الحمد والمثه شمس شاق در کمال اشراق در آفاق
درخشان است و یقین بین دایم آنچه در عالم واقع می شود
و ظاهر گردد اسباب ارتعاع امر الله و بیداری عباد خواهد بود
و آنچه در کتب صحف الهیه نازل و مذکور است ظاهر شود
خواهد گشت *

وَرُوْمِیَ تَرِیْهِ وَ لَیْمَارِ

این دو جوان مشغول تمجید نورانی ستر چارلز هاسونیری
و ستر جورج لایمار بعد از زیارت ساحات آندس و سیات
در اروپا در این ایام مراجعت با سرکار کردند بشارت
صحت وجود مبارک والواح جدید که از قلم اعلی نازل شده
آوردند و محبت حقیقی طائفین و نمازین کعبه مقصود
رسلان مصر و اروپا بر برادران و خواهران روحانی امیرک
ابریغ فرمودند و حال در نشر نجات عهد مبارک مشغولند
و در هر شهری که وارد میشوند سبب بر سر راه کل با این میگردند

گِرگ هاد لندن

بقلم جناب آقای میرزا الطاف الله حکیم مؤرخ ۱۹۱۴
در چندین قبل بعضی گِرگ ها عرض توضیح امر الله و اجرای
مقاصد نفسانی خود در بین دوستان الهی باین صفت
حمله آوردند و بگمان خود بلباس بیش درآمدندی
توانند مقاصد خود را محقق نمایند ولی الحمد لله
صد هزار شکر خدا را که آن شان حقیقی اغنام
الهی را بیدار فرموده و از چنگال این گِرگ های بی وفا
نجات داد همین جمله این نفوس مضطرب باعث شد که
جمع دوستان این سامان مگر چند نفری که غرض دارند
ثابت تر و مستقیم تر در عبودیت طلعت مهد و شیاق
الهی شوند . از قرار معلوم که چون چنگال این
بی وفایان به سنگ خورج و نتوانند مقاصد دنیوی
خود را در بین دوستان ثابتان محیی دارند مغترباتی
و القایاتی چند نسبت دادند که حقیقتاً زبان و قلم
انفکاش حیا میکند و آن مغتربات و تزویرات افکیه
را در سایر نقاط عالم منتشر نموده اند تا اذعان
دوستان را مضطرب نمایند بگمان اینکه بتوانند نجات
امر الله و تقاربت مرکز عهد و پیمان الهی نمایند و حال
آنکه حضور هیکل نور الهی در این عالم موجود و نهایت
صفت و سلامتی و لذت و انوار طلعت عهد و پیمان است
شمس بر آفاق جهان مشرق و جمیع عالم بر بندگی او شهادت
داده و میدهند این بی وفایان بگمان خود میروند ستر

اشعه آفتاب حقیقت نمایند هیئات هیئات که این آفتاب
بهره خود بقدر خواهند برد ملاحظه فرمایید که در جمیع
ایام مظاهر مقدسه مانند حضرت موسی و حضرت مسیح و
حضرت رسول و بعد از ظهور مبارکشان چه قدر از این
قبل نفوس پیدا شدند که خواستند بیان الهی را برتر از
نمایند و امر الله را خواستند که دکانی باشد بر روی نافع
چیزی خورد و بهوی و هوس نفسانی خویش قصداً آفتاب
نمودند ولی در آنک شافی ناپدید گردیدند و همچنین
این امر مبارک ملاحظه فرمایید این میرزا احمد علی که نسبت
به جمال مبارک داشت چون بر نفس عهد الله برخوانست
چه توانست کند و همچنین آقا جمال این همه شهور داشته
و دیگران و دیگران چون بر نفس خود افزودند چه منفعتی
بردند مگر آنکه عاقبت جمیع خود را ضیاع زمین
انداختند در صورتی از حق جل جلاله حفظ و حمایت
جمیع دوستان را سائل و آلم و از درگاه جمال الهی سلیم
که این گمراهان را نیز از چاه غفلت و نادانی نجات بخشد *



مجموعه اختر : انجمله خطاب جمال قدم جل ذکره الاعظم

باین اشخاص رضاله مصله در کلمات مکتوبه میفرمایند :-
ای جهلای معروف بعلم!
چرا در ظاهر دعوی شبانی کنید و در باطن ذنب
اغنام من شده اید مثل شما مثل ستاره قبل از جمیع
که در ظاهر دروغی روشن است و در باطن سبب
اضلال و هلاکت کاروانهای هدین و دیار من است



بلی چندی از این گمگان با سرکار آمدند و بهزار حبله انواع
مکر و دسیسه خواستند که با اغنام الله ملاقات و عیادت
کنند ولی غائب و غایب گشتند و بر روی آنها جمیع ارباب
بسته شده زیرا جمیع ایالات متحده آمریکا تمام امور خود
در دست احضای معروفین ثابتین بنوده زهست و بدون آن
در ضاع مبارک هیچ کاری نمیتکنند غلم بشاق فوق الروس موج
موج میزند و انوار عهد جمال قدم طیور لیل نقض را با هم شوم
در خرابه های تاریک ماوی داده *

مختصر اینست که کار حضرت ناقضین مخصوص بیک
چیز و بس و آن سبب گمراهی و ضلالت بعضی نفوسیکم
تازه در امر الله میشوند *

عید جلوس مرکز شیاق

در بیست و نهم ماه نوامبر ۱۹۱۴ ضیافتی بسیار روحانی در

منزل امه الله مسرهورك بر اعلاحتفال در عبد جلوبه انوس
 ظلمت من اراده الله بر عرش ميثاق منعقد گشت جمعی از دوستان
 الهی حاضر شدند پس از صرف چای شیرینی و کیک های مختلف
 مجلس شاماعت پیچ شروع شده تلاوت الوح و مناجاتهای
 مبارکه و بعد چند نفر از دوستان رحمانی قدری صحبت نمودند
 یکی از محبت صحبت نمود دیگری از اتحاد دیگران صلح عمومی دیگری
 از احمیت ثبوت در عهد الهی و قس علی ذلك ولو محکم با اتحاد
 عموم انبیاحت اقدس نامک شده و تازه رسیدن مع الوح
 خصوصی که باقی بعضی از احباب رسیده بود تلاوت کردید
 فی الحقیقه مجلسی بسیار روح و سرعاجان بود و تبریک نام
 نیز از این ضیافت بسیار دوستان که در مسائر نقاط بودند
 فرستاده شد همچنین عرضیه عموماً نیز ضیافت قدر حضرت
 مولی الوهی ارواح العالمین الفداء عرض کردید و جمیع اصحاب
 ارباب الحضور گشت همچنین یاران محترم این عزیزان فرمودند
 که از قبول کمال اجای لذت خدمت جمیع دوستان آن سالمان
 و بخصوص احبای یاران تبریک این جشن اعظم اعظم نمایم
 لهذا جمیع احباب و آئین این امرن متحد امتقاً تبریک و تهنیت
 مینمایند و از جمیع التماس دعا دارند * عبدغاف
 لطفه حکیم

ضمیمه اجتره: این عید مبارک در جمیع شهرهای تبریک
 به نهایت روح و سرعاجان گذر شده و احباب الرضخیر و کبیر
 دعا و تصدیع نموده اند که خداوند تبارک و تعالی بحق این
 عید مبارک عمل و آباء او را سبیل بسیر فرماید *

ترجمه مقالته

مدیر جریده پالیاتو تا مین تا بیخ ۷ ماه اوکتوبر ۱۹۱۲
 پالیاتو از شهر بارکالونیا در امریکا و محل در الفنون آنجا است *

فولجی در الفنون عقلی و فزادش در کلبای هر چند شهر
 پالیاتو رئیس عظیم لبریا و حاضر میشود مقاصد ترجمه عمومی بین
 میان و اخوت عمومی اهل عالم است نام این شخص مرم عبدالبهاء است
 در بعضی السن باسم عباس افندی مرسومند ملتا ایلانی و لغوی حیث
 الحیات و وطنشان عالم است پس از صعود و الدشان حضرت
 بهاء الله [ردای بر است در تاریخ ایزد بر شان ایشان گذارده شد
 و جمیع شاکل و مصائب عظیم و شریک با والد محترم خود بودند
 چهل سال از عمر خود را بر اسطه ظلم و تعدی سلطان ترکی [عباسی] در
 در بجز گذرانند چنانچه سنگ نه بر راه را از راه فرود اند و یاد دای
 صادق پیغمبران را خلق قدر ندانند این وجود نفسی را نیز
 قدرانی نمودند و طستان ایشان متلا و در خشنواست و عالم ایزدی

مغز و حجه بلوغ برسانند و این بلوغ عبارت از نهادی اساسی جمیع
 ادیان است که مصداقش در هیچکس انسان ظاهر میگردد *
 در فن عکاسی ترتیبی از فی احداث شده که بواسطه این ترتیب اجزاء
 مستقیمه صور متعدد را تجزیه نموده و بعد جمع کرده طلعت مکتوبه نهایت
 کمال جمال مینمایند یعنی هر جزو جمیع انصاف در گذر شده و با این صورت
 مقصود پسند میشود و نتیجه صورت تکوینی مکتوبه میگردد مثل این ترتیب
 فن عکاسی بنامه مثل اسرتهائی است در آن جمیع شئون مستقیمه یعنی
 فعالیت مفید ادیان در این جهان که آنچه خوب بوده گرفتارند و در آن
 قابل فکرند آنه اند جمع آورده حقائق نموده اند این نوعی که سلطنت است
 قریب عالمگیر خواهد شد و جمیع مذاهب غلط را در خط خیمه یک حقیقت
 داخل خواهد نمود زیرا دارالاستبایه و تعالی است که در آن معتقد است
 و سبب است * مثل دیگر بنظم آمده در اینجا ذکر می نمایم اگر شخص
 در اینر مختلفه آنچه آراستخه مشاهده مینماید در قوه حافظه و فکر خود
 گرفته هر شئ خوب و زایل و بیستی هر نظریه گشتنی از هر جا گرفته
 در علم از نو بناماید در لحظه نماید که چه اساس مینویسند و بنامی یاد
 خواهد شد چنین است امر جهانی که بنام مرمعاری جمیع سخنان را
 گرفته بنامی بر این هندسه ساختار است بهائیان بنامی تاسیس نموده
 و بی اختیارند که بایش برسی و بهودی و سلمان و بودائی جمیع ادیان
 بدو استناد دارند در این باو میدان از وجدان خود اعلان مینمایند که
 خدا یکی است و خدای یککاف واحد شایع جمیع ادیان است الهیه و است
 عالمان و نقاد بنندگان است بنا بر این امر بنا بر محبت است که محیط بر
 کل اشیا است و از این جهت بعد از وسیع است که جمیع سایر افکند
 و بجای عدولت و اختلاف مذبح فخرهاست از ظلمت فایغ و شهدی است
 از بلخی دور هر وقت علم اکتشافی مینماید حقیق از عقاید ارتقا
 اشیا را کشف کند آن اکتشاف محصور بعلم نیست نه محمل بلکه آن
 اکتشاف تعلق جمیع عالم دارد مثل اینکه ما غراب و بجانب قوه برقیه را
 محصور بر ادیسون یا عمل او که منور پارک است نمیدانیم که این
 قوه را کشف شده ما جمیع از او بهره میبریم هر قدری که بر انسان نازل
 باید انسان برکت را باخوان خود برساند در تمام گذشته نظر نمایم
 که مخترع را احمیتی غاشب هر چند تمجید و تعریف بمخترع ارجح است و حاصل
 اختراع است هر چند در سر امر جهانی در مملکت قدیمه ایران ظاهر
 شده ممکن که حال خوابست این بنامه حارق از آقا شریف غریبی
 عالم ابداع گشته ما را عمل تاسیس و مملکت نباید عجاب کرد
 اصل بنامه است که صادق است و عالم گیر شده حضرت عبدالبهاء
 بزبان فارسی صحبت مینماید و بیایناستان با انگلیزی ترجمه میشود
 بروید و بشوید *

مجمعی از تاریخ ایران

در سنه ۱۸۴۴ [مربوط سنه ۱۱۶۰ هجری] در ایران جوانی میرزا اعلی نام

خبر وفات اقامیه زنجی جواد

در قاهره مصر

جناب آقای میرزا محمد جواد فرزند امجد حضرت
 حاجی میرزا حسن صاحب تاجر خراسانی از اعظام
 اعیان و ثبات و راسخ بر عهد و میثاق رب الارباب
 صبح روز سه شنبه ۲۷ اکتبر ۱۹۱۴ در حال
 نوحه و تسلیم و رضا ارتحال بعالم بقا نمودند
 و در جسد تراپی بعالم روحانی شتافتند رحمة
 الله علیه و اسکنه الله فی جوار عنایته *
 سه شنبه روز مجلس ختم علی الرستم میا
 و جمعی از برادرگان و تجار ایرانی و مصری و اروپایی
 جمع و بتقدیرت و تسلیت ذاکر بودند *
 الحاق بر جناب حاجی میرزا حسن صاحب و جمیع
 دوستان بسیار مؤثر و واقع گشت خداوند اجر
 جزایی و صیر جمیل کرامت فرماید *

نجم باختر:
 بنهایت اسف و حزن حضرت والد ماجد این
 مرحوم را مراسم تقزیت تقدیم میباید و انچه در
 تبارک و تعالی جفا بقضائهم و تسلیما لامواتهم برای
 جمیع این عاقله شریفه صبر و تسلیمت و اجر جزایی طلبید
 و همچنین اقبال احتیای امریک علی الخصوص اما اینکه
 حضرت حاجی را و مغفور را شخصاً میشناسند من
 سلامتی و انا لله و انا الیه راجعون میگوید *

تیر قضایا بر کبشیر خور

هر کس از احتیای الهی که در ایام اخیر بحال باقی بماند ذکر نماز کعبه
 مقصد شده تا اسال لا بد که جناب کبشیر خادم فخری و خوشبخت
 زیرا این جوان در خدمت آستان مبارک بزرگ شده و همیشه تا به تاریخ
 بوده حال خبری آمد که تیر قضایا و خورد و ایام فانیاش را تکیه بر
 از قرآن معلوم شدی در حیاط پیش یکی از رفقایش رفت و چون همای را پیش
 نیست فقیش بگفت اینکه سارق دید یک گلوله نزد که بچشم کبشیر خور
 بود معلوم شد که سارق نبوده همان کبشیر ما بود و روز بعد
 حیانتش را به خالفش تسلیم کرد *

باری این قضیه مؤثره بسیار سبب حزن جمیع قلوب حرم
 قدس واران و آشناان این جوان گشته ولی الحمد لله که کبشیر
 به حسن خاتمه و حسن عاقبه فائز شد و آن رضا و عیالان کاتب
 صورتی الهی را و احاطه تمام الفدا و لا بد لهذا القضاء حکم کبری
 حکم حاکمیت البریه و بها : حقیق بأنها مختار

ظاهر شد لقب بیاب یعنی عالم انسان براسطه آن معلم
 الهی و حقیقت فائز او بر ضد دین اسلام چیره نمیشود ککن
 نقالید علمای مسلمانان و مقتضای خود باین سبب جمع آن علماء بر خلاف او
 برخواستند بیرون او را شهید کردند آخر الامر حکومت ایران او را
 نمود مع هذا نقالیم او عوفند از هر جهت بیرون او بیاد شدند
 تا آنکه ظلم و اعتساف بیاید و این دین در محنت محقر بود بجا الله
 قیام فرمود بر تأسیر تعالیم الهیه و وحدت عالم انسانی و صلح عمومی
 حضرت بجا و الله از عاقله تجار و احتیای ایران بودند چون بتعلیم این امر
 مشهور آفاق شدند در طهران عیسوی گشتند چندی در برغل و
 زنجیر بودند آخر فی بیضا گشتند در آنجا با تعالیم خود را
 نشر دادند که آن استنار بعبادت و سالی مسلمین شد لهذا ایشان را
 از مملکتی مملکتی گریختند جمیع ایام خود را در حبس و بلا گذراندند
 پس از مصروف شدن در ایام ترویج این امر برود و در پسران عبدالجبار
 ایشان در همان سنه بعثت حضرت باب منزلت شدند *

این شخص محترمی است که جمیع ممالک عرب سافرت نمود علی
 الخصوص انگلستان و پاریس و امریکا که امر بجا آورده اند و در
 حضرت بجا و الله در کتاب خود بیرون او از خویش را
 نصیحت میفرماید که الی الابد باید شمشیر در خلاف
 ماند و بجای او کلمه صلح ظاهر شود *

حضرت بجا و الله اعلان صلح عمومی نمود و خط
 بملک عالم میفرماید که اختلاف و نزاعهای خود را بر
 حکم عظمی رفع نمایند *

همچنین میفرماید روح محبت و الفت و آزادی باید
 جمیع ملل عالم محقق یابد *

بهایات دوستی با جمیع نمایندگان
 در ایجاد یا ترویج زبان عمومی بگوشد زیرا این سبب
 الفت و ارتباط عالم خواهد شد *

تعلیم و تربیت عمومی را نیز فرض فرموده *
 و همچنین فرمود هر رفتنی باید دارای صنعتی باشد و با
 شغلی که اگر آن را با نهایت کوشش و عیان عامل شود حکم
 عبادت دارد *

از دو واج را واجب و رعایت را ممنوع فرموده *
 حضرت بجا و الله اراده چنان که دینتان سبب
 رعایت عالم گردد *

قمار و شرب و اسباب اینها را منع کرد *
 اساتیر این تعالیم روح جدیدیست قابل توجیه
 جمیع اصطلاحاتی که مصلحین عرب در تحقق آن
 سعی کنند در این دین دیده میشوند و عجبتر آنکه
 جمیع این قوانین را پناه سال پیش وقتیکه حضرت بجا و الله
 معصوم در زندان بودند در شرق تأسیر فرمودند *